

ابعاد و ویژگی‌های همکاری معنوی در پیاده‌روی اربعین

صدیقه رضانی تمیجانی*

چکیده

پیاده‌روی اربعین که ابرویدادی اجتماعی در جهان تشیع است، سرمایه‌ای بسیار بزرگ و الهام‌بخش برای پژوهشگران بوده، دربردارنده ظرفیت‌ها و الگوهای قابل بهره‌داری بسیاری در حیطه‌ها و ساحت‌های گوناگون اجتماعی است؛ از جمله اینکه، نوع همکاری شکل‌گرفته در آیین است که سبب می‌شود که اجتماعی میلیونی از خادم و زائر گرد هم آمده، مناسک زیارتی منحصر به فردی را با حداکثر کارایی و کمترین نقص به سرانجام برسانند. هدف این مقاله، بررسی و تحلیل بُعدهای این همکاری معنوی و ویژگی‌های مؤلفه‌های گوناگون آن است. روش گردآوری داده در این پژوهش، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با موب‌داران و خادمان ایرانی است. در مجموع ۱۷ مصاحبه انجام شد و محتوای گفت‌وگوهای آن‌ها با روش تحلیل مضمون و طی سه مرحله، کدگذاری، بررسی و تحلیل شد. در نهایت ۴ مضمون اصلی (فضای ارتباط میان کنشگران، فضای حمایتگری از هم، فضای عمومی کنش و نظم اخلاقی کنش) و ۲۱ مضمون فرعی به دست آمد که در قالب نقشه مضمونی ارائه و معرفی شد.

کلیدواژه‌ها: همکاری معنوی، پیاده‌روی اربعین، مناسک دینی، موب‌دار، خادم.

*. دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری Ramezani@tsi.ir

۱. بیان مسئله

آیین پیاده‌روی اربعین یک پدیده اجتماعی - فرهنگی ویژه و چندوجهی است که هم از حیث ضریب نفوذ (به دلیل ارتباط با نهضت عاشورا)، هم از حیث میزان و سرعت انتشار (به دلیل مشارکت سطح بالا و رو به افزایش آن که در مقایسه با دیگر گردهمایی‌ها بی‌نظیر است) و هم از حیث کارکردهایی که برای جهان تشیع به همراه دارد، و نیز به سبب دامنه و گستردگی میان ملت‌های گوناگون، و همچنین از نظر ماهیت، ساختار و سازوکارهای درونی، برای مطالعه از زاویه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون پژوهشی، پراهمیت و شایسته توجه به شمار می‌آید.

از جمله موردهایی که ذیل ماهیت و سازوکار درونی، قابل بحث و بررسی است، بُعد معنوی این پدیده و تأثیر آن بر نوع همکاری شکل‌گرفته میان کنشگران است. منظور از معنویت در اینجا، نوعی احساس و گرایش ذاتی انسان در ارتباط با امور غیرمادی است (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۸۵).

هر چند ادبیات معنویت‌پژوهی حاکم بر علوم اجتماعی مدرن، از جمله علم مدیریت، منبعث از مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی متفاوتی است که در پاره‌ای موردها، مانند برداشت از عقلانیت، با دیدگاه‌های اسلامی و پدیده‌های برآمده از این اندیشه، همخوان نیست، اما می‌توان با به کار گرفتن مفهوم‌های رایج در آن و کشاندن آن به حوزه پارادایمی اندیشه اسلامی، معنای جدیدی را به فضای بین‌الذهانی عرضه داشت و پژوهشگران را با زاویه دیدی جدید آشنا کرد و به مدیران، توجه به امر معنویت را برای بهبود کارایی و کارآمدی در اقدام‌ها و برنامه‌ها پیشنهاد کرد؛ از این رو، اگر سازمان را هماهنگی معقول عده‌ای از افراد بدانیم که برای تحقق هدف مشترکی از راه تقسیم وظیفه‌ها و برقراری رابطه‌های منظم و منطقی به‌طور پیوسته فعالیت می‌کنند (علاقه‌بند، ۱۳۸۴)، در پیاده‌روی اربعین، با هر دو بخش اصلی این تعریف، یعنی هماهنگی معقول و هدف مشترک، روبه‌رو هستیم؛ بنابراین با قدری تسامح و نادیده گرفتن ویژگی‌هایی

همچون تشکیلات رسمی و بوروکراتیک و ارتباط‌ها و رابطه‌های سلسله‌مراتبی، می‌توان از وجود نوعی محیط کار در این پدیده سخن گفت. البته باید یادآور شد که واژه معقول در اینجا برخلاف ادبیات سازمانی، به عقلانیت ابزاری و معطوف به کارآمدی و سودمندی مادی اشاره ندارد، بلکه منظور عقلانیت الهی و ارزشی و معطوف به رستگاری آخرتی است. در این مقاله تلاش بر این است که ویژگی‌های همکاری معنوی شکل‌گرفته در محیط و میدان پیاده‌روی اربعین، از خلال مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با موبد داران و خادمان ایرانی پیاده‌روی اربعین، پی‌جویی، توصیف و تشریح شود.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص پدیده اربعین و به‌طور خاص پیاده‌روی اربعین، تاکنون مطالعه‌های نظری و پژوهش‌های تجربی زیادی صورت گرفته که در یک دسته‌بندی صوری و کلی می‌توان آن‌ها را در ۵ گروه «مجموعه مقاله‌ها، مقاله‌های کنفرانسی، مقاله‌های علمی - پژوهشی، طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها» جای داد؛ اما از میان آن‌ها، تنها در تعداد معدودی به موضوع معنویت توجه نشان داده شده است. از میان مجموعه مقاله‌ها، می‌توان به مجموعه مقاله «مدنیت، عقلانیت و معنویت در بستر اربعین» اشاره کرد که در آن بابایی در مقاله‌ای با عنوان «مدنیت و معنویت در اربعین (۱۳۹۴)»، به‌طور مشخص به مقوله معنویت پرداخته، تلاش می‌کند که نخست، اربعین را در قالب تمدن اسلامی به اثبات برساند و در مرحله بعدی، به بررسی نقش ایمان و عمران (آبادانی) در تمدنی شدن اربعین می‌پردازد. گفتنی است، در کنار نقش ایمان، به بررسی نقش حب و فرایند آن در تمدنی شدن اربعین می‌پردازد.

در مجموعه چکیده مقاله‌های «دومین همایش اربعین» - که از سوی دانشگاه علامه طباطبایی) برگزار می‌شود - کربلایی پازوکی در مقاله‌اش با عنوان «اربعین و معنویت»، به مقوله معنویت پرداخته و در چکیده آن بیان داشته است: «امروزه

حتی بسیاری از کسانی که به دین خاصی اعتقاد ندارند، صفت معنوی را برای خود برگزیده‌اند. این احساس نیاز درونی همگانی سبب گسترش بی‌سابقه مکتب‌ها و مسلک‌های عرفانی شده که درصددند با بیان اعمال، اذکار و مناسک گوناگون، به این خلأ معنوی بشر امروز پاسخ مثبت دهند. یکی از مناسک اصیل، حقیقی و پرمحتوا که به نیاز معنوی انسان‌ها، پاسخ صحیح، درست و مثبت می‌دهد، زیارت اربعین است. زیارت اربعین ظرفیت‌های لازم برای پرکردن خلأ معنوی انسان امروز را دارا است که به بعضی از آن‌ها در این مقاله اشاره می‌شود» (پازوکی، ۱۳۹۶: ۱۸۳).

در طرح‌ها و مقاله‌های پژوهشی هم اگرچه در عنوان، مفهوم معنویت مورد تأکید نبوده، ولی در میان بحث‌ها و بررسی‌ها، اشاره‌هایی به مقوله معنویت وجود دارد؛ برای نمونه، گیویان و امین (۱۳۹۶) در بخشی از مقاله‌ای با عنوان «محبت و هویت در آئینه نمایش جهانی اربعین: مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی»، ذیل کارکردهای این آیین برای مجریان، بیان می‌دارند که از نظر مجریان، معنویت به دست آمده از حضور در آیین پیاده‌روی اربعین، می‌تواند به ارتقای معنوی زائران، و به دنبال آن، به تعالی اخلاقی و معنوی جامعه ایران منجر شود. درودیان (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی»، با انجام بیش از ۵۰ مصاحبه و مشاهده و بررسی فیلم، به پاسخ این پرسش که «حس و حال معنوی در برنامه اربعین چیست» می‌پردازد. «حس امنیت در اوج ناامنی، همزادپنداری سختی مسیر، مهمان‌نوازی رقابتی، داوطلبانه بودن عشق به حسین علیه السلام، عشق دوطرفه میزبان و مهمان به حسین علیه السلام و تجربه سفری متفاوت برای همه افراد»، یافته‌های پژوهشگر در این تحقیق، در قالب «مؤلفه‌های درک معنوی کنشگر» است.

همان‌طور که ملاحظه شد، نه تنها در تعداد کمی از مطالعه‌های پیشین به مقوله معنویت در پیاده‌روی اربعین توجه نشان داده شده، بلکه از میان این

تعداد اندک نیز در هیچ کدام، دلالت ها و قابلیت های معنویت برای مدیریت همکاری و ظرفیت انسجام بخشی آن، مدنظر قرار نگرفته و بر این اساس، مقاله پیش رو، از این جهت، منحصر به فرد و بدون نمونه پیشین است.

۳. مروری بر ادبیات نظری

یکی از مفهومی هایی که به تازگی در حوزه معنویت پژوهی رایج شده، معنویت در محیط کار است که معمولاً در سه سطح فردی (کار معنادار)، گروهی (احساس یگانگی و یکپارچگی با دیگران) و سازمانی (همسانی و همسویی با ارزش های سازمانی) دسته بندی می شود؛ کار معنادار، مشتمل بر: لذت بردن از کار، انرژی گرفتن از کار، ایجاد معنا و هدف شخصی از راه کار، حس انسجام مشتمل بر: حس پیوند با همکاران، حمایت کارکنان از یکدیگر و پیوند با یک هدف مشترک، و هم راستایی ارزش های سازمانی، مشتمل بر احساس پیوند با هدف های سازمانی، آشنایی با ارزش ها و مأموریت سازمان و توجه سازمان به کارکنان است (جواهری زاده، ۱۳۹۵).

در واقع، قلمروی مدیریت در سال های اخیر، ذیل تأثیر نیروی قدرتمندی قرار گرفته که اگر به درستی اداره و هدایت شود، ظرفیت لازم برای منجر شدن به ژرف ترین همکاری و مشارکت، نه تنها در زمینه های حرفه ای، بلکه برای بروز انسانیت تمام عیار را دارا است. این نیروی قدرتمند همان معنویت است. بر این اساس، معنویت در محیط کار، در سال های اخیر، نظر بسیاری از اندیشمندان مدیریت و سازمان و نیز مدیران در سطح های گوناگون را به خود جلب کرده است.

بیشتر نظریه پردازان مدیریت، معنویت در محیط کار را در ارتباط با بهره وری، اثربخشی و سرمایه اقتصادی تعریف می کنند؛ اما خدمت رسانی در اسلام را می توان در ساحت های گوناگون، موضوع بحث قرار داد، و از آن تعریف های گوناگونی ارائه شده است؛ از جمله، «تلاش برای رساندن خیر به دیگران»،

«گره‌گشایی از کار مردم» و «یاوری درماندگان و نیازمندان». خدمتگزار کسی است که کمر به خدمت مردم بسته و در غم و شادی و راحتی ورنج مردم، در کنارشان است. هرکس در هر شرایط، به تناسب شعاع وجودی خویش می‌تواند اهل خدمت باشد (مرادی، ۱۳۹۴: ۵۴ - ۵۵)؛ ازاین‌رو، در مطالعه همکاری معنوی شکل‌گرفته در پیاده‌روی اربعین باید به این تفاوت‌ها توجه داشت و با برخی از اصلاح‌ها، ادبیات محیط کار را موردتوجه قرار داد.

همان‌طور که پیش‌ازاین گفته شد، هرچند در پیاده‌روی اربعین با یک فضای سازمانی با همه بُعدها و ویژگی‌هایش روبه‌رو نیستیم، اما اگر بر مقوله‌های اصلی و کلی تمرکز کنیم و سازمان را هماهنگی معقول عده‌ای از افراد بدانیم که برای تحقق هدف مشترکی از راه تقسیم وظیفه‌ها و برقراری رابطه‌های منظم و منطقی به‌طور پیوسته فعالیت می‌کنند، می‌توان نوعی محیط کار را در این پدیده، شناسایی کرد؛ بنابراین به‌کارگیری مفهوم معنویت در محیط کار، در کنار مفهوم‌های دیگری که ارکان شکل‌گیری هر اجتماع است، می‌تواند در فهم چگونگی تأثیر معنویت بر شکل‌دهی اجتماع پیاده‌روی اربعین و نظم حاکم بر آن، و نوع همکاری افراد گوناگون انسانی در آن، راهگشا باشد.

معنویت در محیط کار، دارای مزیت‌های بسیاری است. معنویت، ماهیت کار را تغییر می‌دهد و بنابراین افراد در جستجوی معنا در کارشان هستند؛ آن‌ها به دنبال راهی هستند که زندگی کاری‌شان را با زندگی معنوی‌شان پیوند بزنند و با بصیرت و دارای هدفی هماهنگ شوند که فراتر از به دست آوردن پول است. معنویت، افراد را در کارشان نیرومند می‌سازد و به آن‌ها اجازه می‌دهد که با موجودی فراتر و برتر از خود^۱ در همه جنبه‌های زندگی‌شان مرتبط شوند. همان‌گونه

۱. میان موجود برتری که در این ادبیات اشاره می‌شود با باور به خدای متعال، تفاوت‌های مبنایی زیادی وجود دارد؛ زیرا در نگاه سکولار انسان مدرن به هستی، از میان مرتبه‌های گوناگون جهان هستی، تنها، نزدیک‌ترین مرتبه آن (دنیا) اصالت داشته، دیگر مرتبه‌های هستی، یا انکار شده یا بدون اصالت پنداشته می‌شود؛ ازاین‌رو، این نیاز احساس می‌شود که صاحبان اندیشه و اندیشمندان اسلامی برای غنی شدن مفهوم معنویت در حوزه مدیریت، و گسترش لوازم آن بر اساس معنای مستفاد در متون دینی، اهتمام بیشتری ورزند تا این مفهوم - که

که ماهیت کار تغییر می‌کند، ارتباط میان مدیران و کارکنان نیز دگرگون می‌شود. مدیران که صرفاً دستوردهندگان بودند که هیچ نقشی در بالندگی شخصی نیروهای خود نداشتند، به راهنمایانی تبدیل خواهند شد که به خلق معنا و هدف برای همکارانشان کمک می‌کنند (خنيفر و همکاران، ۱۳۸۹).

معنویت در کار، برحسب ویژگی‌ها، انواع و محتوای آن، تعریف‌های متعددی دارد، اما در تعریفی که دربرگیرنده همه بُعدهای وجودی انسان باشد، می‌توان گفت که «معنویت در کار، تلاش برای ایجاد حساسیت نسبت به ارتباط درون فردی، فرافردی، میان فردی و برون فردی در زندگی کاری، به منظور بالندگی شخصی در رسیدن به تعالی انسانی است» (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۸۶).

گیبنز^۱ در تجزیه و تحلیل سطح‌های معنویت در سازمان، به دو سطح اصلی با عنوان «معنویت فردی در محیط کار» و «معنویت سازمانی در محیط کار» اشاره دارد. در دیدگاه وی، معنویت فردی در محیط کار، راه و مسیری فردی به سوی یکپارچه ساختن کار با زندگی معنوی است، و معنویت سازمانی در محیط کار، راه و مسیری سازمانی به سوی معنویت است که می‌تواند تلاش‌های سازمانی برای پرورش معنویت فردی در محیط کار را شامل باشد، اما جهت‌گیری آن به سوی هدف‌ها و توانایی‌های سازمانی است که باید محقق شود (گیبنز، ۲۰۰۲).

میلیام^۲ و همکارانش به سه سطح معنویت در محیط کار اشاره دارند:

۱. سطح فردی (کار با معنا): لذت بردن از کار، به دست آوردن نیرو و انرژی از کار و معناجویی از کار؛

۲. سطح سازمانی (همسانی و همسویی با ارزش‌های سازمانی): احساس

دارای پیشینه طولانی در حوزه دین‌های الهی است - از انحصار ادبیات سکولار خارج شود، و راه برای پویندگان معنویت در ادبیات تخصصی هموارتر شود.

۱. Gibbons.

۲. Milliam.

پیوند و هم‌بستگی با هدف‌های سازمانی، شناسایی مأموریت و ارزش‌های سازمانی، و حمایت و مراقبت سازمان از کارکنان؛

۳. سطح گروهی: احساس یگانگی و یکپارچگی، احساس پیوند و هم‌بستگی با همکاران، حمایت کارکنان از یکدیگر، و پیوند خوردن با هدفی مشترک. (عابدی جعفری و رستگار، ۱۳۸۶).

سطح گروهی و سازمانی معنویت در محیط کار، به رکن اصلی هر نوع اجتماع، یعنی هنجار اجتماعی و هم‌بستگی منبعث از آن، نزدیک می‌شود؛ رکنی که در هر اجتماعی، از جمله اجتماع بزرگ پیاده‌روی اربعین، قابل‌پی‌جویی است. منشأ اصلی هنجارها به چهار نیاز اجتماعی معطوف می‌شود که عبارت است از: همزیستی مسالمت‌آمیز، همکاری، هم‌فهمی و فهم متقابل، و هم‌آهنگی (همگامی و هم‌نوایی). این چهار نیاز، محور شکل‌گیری نظم اخلاقی است و در واقع، اجتماعی که به این چهار نیاز پاسخ مناسب دهد، در بردارنده نظم اخلاقی بوده، یا به عبارتی، گونه‌ای از جامعه را شکل داده است. روبرت و سنو^۱ در کتاب خود با عنوان «معنا و نظم اخلاقی»، معتقد است که فهم ماهیت نظم اخلاقی یک جامعه، فهم شیوه ارتباط و پیوند آن جامعه با خود و جهان را ممکن می‌سازد. در نظریه و سنو، نظم اخلاقی جامعه، مرکب از تعریف‌هایی است در این باره که رابطه‌های اجتماعی چگونه باید شکل بگیرند، و ماهیت تکلیف‌ها و تعهدهای اخلاقی جامعه را مشخص می‌کند. در نگاه وی، مهم‌ترین قلمروی اجتماعی که می‌تواند این وظیفه را به نحوی فراگیر و تأثیرگذار انجام دهد، قلمروی نشانه‌ها و به‌طور خاص، قلمرو شعائر است. به اعتقاد و سنو، شعائر و ایدئولوژی‌ها، جنبه ابرازی - نمادی زندگانی اجتماعی را شکل می‌دهند (و سنو، ۱۹۸۹). یک نظم اخلاقی به منبع‌های اجتماعی نیازمند است تا تولید شود و باقی بماند. از جمله مهم‌ترین منبع‌های تولیدکننده نظم اخلاقی در پیاده‌روی اربعین - که بزرگ‌ترین نمونه‌های شعائر حسینی است - سرمایه معنوی است. سرمایه

معنوی در سطح فردی به صورت علاقه به خدمت نمایان می شود و پایه و اساس انواع دیگر سرمایه ها است. مطابق دیدگاه زوهر، سرمایه معنوی، ثروت، قدرت و نفوذی است که حاصل عمر ما بر اساس معناهای عمیق، ارزش های اصلی و احساسان از هدف های نهایی به شمار می آید، و همه این ها به بهترین نحو در اختصاص زندگی به خدمت تجلی می یابد (مرادی، ۱۳۹۴: ۴۹).

۴. روش پژوهش

در این پژوهش، از روش کیفی و فن مصاحبه بهره گرفته شده است. نمونه گیری برای انجام مصاحبه ها به صورت هدفمند از میان موکب داران و خادمان ایرانی - که گروهی بوده و بیشترین سطح و حوزه درگیری با پدیده پیاده روی اربعین را دارا بوده اند - صورت گرفت. در مجموع، ۱۷ مصاحبه نیمه ساختاریافته با کسانی که در پیاده روی اربعین، تجربه ای فراتر از زائر صرف را داشته اند، انجام شد که ویژگی های آن ها در جدول ذیل قابل مشاهده است:

۵ نفر	زن	جنسیت
۱۲ نفر	مرد	
۷ نفر	جوان (۱۸ تا ۳۵ سال)	سن
۴ نفر	میان سال (۳۵ تا ۵۰ سال)	
۶ نفر	بزرگ سال (۵۰ سال به بالا)	
۸ نفر	دانشگاهی	تحصیلات
۳ نفر	حوزوی	
۶ نفر	دیپلم و زیردیپلم	
۱۱ نفر	تهران	محل سکونت
۶ نفر	شهرستان های دیگر	
۱۷ نفر	مجموع افراد مصاحبه شده	

جدول شماره ۱ - گزارشی از افراد مصاحبه شده

برای تحلیل مصاحبه ها، از ترکیبی از روش «تحلیل مضمون» استفاده شد.

در کدگذاری مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار «MAXQDA۱۰»، نخست واحدهای معنایی مرتبط از متن مصاحبه جداسازی شد و سپس طی سه مرحله کدگذاری، پیشروی در سطح انتزاع شکل گرفت.

۵. یافته‌های پژوهش: همکاری معنوی

آنچه از تحلیل گفت‌وگوهای انجام‌شده با موبک‌داران و خادمان موبک‌های ایرانی، در خصوص ویژگی‌های همکاری معنوی شکل‌گرفته در پیاده‌روی اربعین به دست آمده، در ادامه، در قالب چهار بُعد یا مضمون اصلی ارائه شده، و اجزا و مؤلفه‌های آن با استناد به بخش‌هایی از متن مصاحبه‌ها شرح داده می‌شود.

۵.۱. فضای ارتباط میان کنشگران

بررسی فضای ارتباط در جریان پیاده‌روی اربعین، حاکی از گشودگی قابل‌توجه برای تعامل، به‌همراه همدلی عمیق و مؤثری است که عاطفه و احساس بر آن حاکمیت گسترده و پررنگی دارد و هرگونه نابرابری و انحصاری را طرد می‌کند؛ از این رو، به شدت برای ادغام فرهنگی آماده است. نشانه این امر، پیدایی پیوندهای قوی عاطفی و ارتباط پایدار میان کنشگران مهمان و میزبان، و تمایل به یادگیری زبان یکدیگر برای تقویت ارتباط میان فرهنگی است: «با عراقی‌ها رفت و آمد خانوادگی پیدا کرده‌ایم و برای سفرهای درمانی به شیراز، اول به دیدن ما می‌آیند» (ع.م. ۳۰ ساله). در این میان، معمولاً ایرانیان برای برقراری ارتباط پیش‌گام می‌شوند: «معمولاً ما اول ارتباط می‌گیریم و آن‌ها تعجب می‌کردند که ایرانی آمده و دارد با آن‌ها ارتباط می‌گیرد؛ چون مدل خاصی داشتیم و مثلاً با جوان‌ها راجع به فوتبال و سیگار، صحبت را شروع می‌کردیم» (ع.ح. ۲۹ ساله). این ارتباط به‌همراه ابراز عاطفه و احساس درونی و حس صمیمیت زیاد، از اشتراک در هدف ناشی است: «با عراقی‌ها این قدر صمیمی شده‌ایم که با ناراحتی از هم جدا می‌شویم» (ش. ۴۵ ساله). هدفی که همچون چتری بر فضای ارتباطی سایه افکنده، نظام اجتماعی جدیدی را ساخته و پرداخته می‌کند که

در آن، معیارهای برآمده از قشربندی های رایج اجتماعی، همچون طبقه و پایگاه اجتماعی - اقتصادی به حاشیه رفته، گاه بی معنا می شود: «در میان عراقی ها احساس غربت نداریم و مردم عراق سنگ تمام می گذارند و برایشان ملیت زائر فرقی نمی کند» (م.س. ۳۵ ساله).

۵،۲. فضای حمایتگری از هم

در جریان پیاده روی اربعین، فضای حمایتگری منحصر به فردی بر مبنای سرمایه معنوی شکل می گیرد. کنشگران، حمایتگری از یکدیگر را به نقش های تعریف شده محدود نمی کنند و خارج از برنامه و به صورت خودجوش به خدمت رسانی با بهره گیری از همه توان و امکانات موجود می پردازند: «رفتار عراقی ها خیلی از قاعده های معمولی را می شکنند و آن جو غالب را می سازد» (م.م. ۳۵ ساله). آمادگی برای دادن دارایی، ناشی از نبود احساس مالکیت شخصی و از میان رفتن اثرهای منفی آن در هر لحظه و هرجا، مشهود و آشکار است: «چون احساس مالکیت به وسایل وجود ندارد، اگر چیزی مورد نیاز نباشد، خیلی راحت اهدا می شود. در فضای اربعین، زمینه برای اهدا و همکاری، بالا است» (م.ا. ۳۷ ساله). اشتیاق وافر به خدمت، ضرورت نظارت بر فرایندها و رفتار خدمت گیرنده را از میان برده و در این فضا با نوعی خودکنترلی ارزش محور روبه رو هستیم.

۵،۳. فضای عمومی کنش

فضای عمومی کنش در اربعین، منبع غنی سرمایه عاطفی است؛ بدین معنا که صفا و محبت عمومی و نوعی همدلی - که به گفته مصاحبه شوندگان، یادآور روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی و سال های آغازین پس از پیروزی است - بر فضا حاکم است: «من زمان انقلاب نبوده ام، ولی آن همدلی هایی که از آن زمان شنیده ام، در اربعین هم دیده می شود که واقعاً هم کمک می کنند» (م.م. ۳۵ ساله). به دلیل اشتراک بالا در قصد و معنای کنش، آمادگی برای همکاری،

بالا است. همچنین در حوزه سیاست فرهنگی، به شکل کثرت‌گرایانه رفتار شده و تفاوت‌ها معتبر شمرده می‌شود. این موضوع، هم اثرهای قابل تأملی، همچون ایجاد شرایط خودشکوفایی به دلیل آزادی عمل بالا و نیز فرایند جامعه‌پذیری سریع و مطلوب به دلیل وجود گزینه‌های متعدد برای انتخاب کمک، ایجاد کرده، و هم امکان تجربه زیست جهانی آرمانی را با فراروی موقت از زندگی روزمره و نیز تجربه برخی از موقعیت‌های مشابه عصر ظهور، مهیا ساخته است. سطح درگیری بالا و به همراه شور و اشتیاق، فضا را برای تجربه معنوی آماده کرده که مورد‌هایی از آن‌ها، در جدولی - که در ادامه می‌آید - آمده است: «من پنج‌ساله محجبه شدم و تحول فکری‌ام به دلیل امام حسین علیه السلام است و خودم را مدیون ایشان می‌دانم... با همسرم رابطه خوبی نداشتم، همسرم دو ماه پیش تصادف بدی کرد. من خیلی دعا کردم و خواب دیدم که دوباره او را به من دادند... حالا با هم به پیاده‌روی اربعین آمده‌ایم» (ج. ۲۵ ساله). «خیلی از خانم‌هایی که با ما می‌آیند، به دلیل خواب‌هایی که دیده‌اند، به حجاب روی آورده‌اند و روی خانواده‌شان تأثیرگذار شده‌اند» (س. ۱. ۲۲ ساله). همچنین نوعی خاص‌گرایی ذیل عام‌گرایی، به دست آمده از گرایش به جهان اسلام، به چشم می‌خورد؛ به عبارت دیگر، هر چند عنصرهای هویت ملی که با هویت اسلامی ناهمخوان است، ذیل چتر هویت اسلامی کم‌رنگ می‌شود، ولی عنصرهای همسو و همخوان هویت ملی، برجسته شده، به مقوله‌ای منزلتی در صحنه اجتماعی جدید تبدیل می‌شود: «افتخار می‌کنم که فردی از هند آمده و عکس حاج قاسم و آقا را به سینه‌اش می‌زند» (س. ۱. ۲۲ ساله).

۵.۴. نظم اخلاقی کنش

فضای کنشگری در اربعین، به لحاظ اخلاقی، طردکننده نظم اخلاقی رایج در جامعه‌های معاصر و دربردارنده نوعی فراروی از قاعده‌های این دنیایی است، و از این رو، دربرگیرنده مؤلفه‌های طردکننده گوناگونی است که در ادامه، به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. طرد عقل ابزاری: کنشگران فعال در مراسم پیاده‌روی اربعین، بدون توجه به حساب و کتاب‌های اقتصادی رایج، برای امام حسین علیه السلام خرج می‌کنند و مصاحبه‌شوندگان، در این خصوص، به موردهای متعددی اشاره داشته‌اند؛ از «خادم عراقی که خانه خود را فروخته که هزینه‌های مربوط به پذیرایی از زائران اربعین را بپردازد» (ش. ۴۵ ساله) گرفته تا «میزبانی که برای فراهم آوردن غذای موردعلاقه مهمان اربعینی خود، گوسفندش را سر می‌زند تا جگرش را کباب کند و برای مهمانش بیاورد» (ح. پ. ۶۳ ساله). خادم و زائر اربعین، حاضر است که برای تجربه فضای معنوی موجود در این مراسم، نفع خود را نادیده بگیرد؛ برای نمونه، پزشک خادمی اشاره می‌کند: «ترجیح می‌دهم که به جای همکاری با موکب‌های هلال احمر - که مزیت‌های گوناگونی دارد - مرخصی بدون حقوق بگیرم و از حق مأموریت چشم‌پوشی کنم تا فضای معنوی حاکم بر موکب مردمی را درک کنم» (س. ا. ۲۲ ساله).

۲. طرد قشربندی اجتماعی: در فضای کنشگری اربعین، توجه به منصب‌های اجتماعی بی‌اعتبار می‌شود: «فعالیت درمانی با اسم امام %، اثرگذاری فرهنگی متفاوتی در مقایسه با مجموعه هلال احمر دارد» (س. ا. ۲۲ ساله) و اقدام به حضور و مشارکت متأثر از عامل‌های اجتماعی، همچون تعداد و نوع شرکت‌کنندگان، نفی شده و در عوض، به فضای معنوی حاکم بر جریان مشارکت و درک و تجربه آن، اصالت داده می‌شود: «جمعیت کمتر از این هم بود، می‌آمدیم. مردم هم برکت‌های اربعین را در زندگی‌شان متوجه شده‌اند و می‌آیند» (ک. ۵۳ ساله).

۳. طرد نتیجه‌محوری: تکلیف‌گرایی کنشگران اربعین - که پیش از این بدان اشاره شد - با نوعی کفایت نکردن به بسیار بودن مشارکت‌کنندگان همراه است؛ بدین معنا که احساس تکلیف و احساس مسئولیت شکل گرفته، سویه‌ای همانند واجب‌کفایی نداشته، کنشگر هیچ‌زمان تکلیف را از خود ساقط نمی‌داند. هرکس به اندازه خود، هرچند ناچیز، همه همت خود را به کار می‌بندد تا نام خود را در قالب مشارکت‌کننده، نزد وجود قدسی ثبت و ضبط

کند: «اربعین، نوکری دستگاه اهل بیت علیهم‌السلام است... ما باید یک مقدار نمک در این آش بریزیم» (ج.ف. ۶۰ ساله).

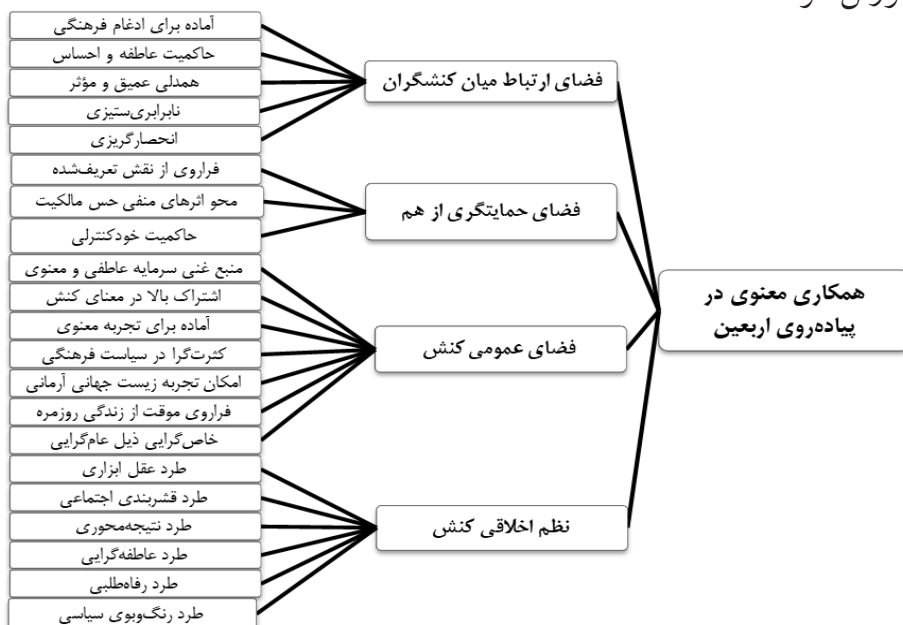
۴. طرد عاطفه‌گرایی: از جمله ویژگی‌هایی که امروزه بر حوزه انتخاب و گزینشگری، در سطح کنش فردی زندگی روزمره، حاکم شده، نوعی عاطفه‌گرایی بیش از اندازه است؛ بدین معنا که افراد در تصمیم‌گیری‌های خود، بر میل و احساس شخصی، بیش از دیگر معیارها، بها و ارزش قائل می‌شوند. این موضوع بسیار در مصاحبه با کنشگران اربعین، از سوی ایشان زشت شمرده شد، و بر برتری تکلیف دینی در مقایسه با احساس و سلیقه شخصی، تأکید می‌شد: «اربعین برای شخص بنده، یک فضای انجام تکلیف است و نمی‌توانم سلیقه خودم را اعمال کنم» (م.ا. ۳۷ ساله).

۵. طرد رفاه‌طلبی: جستجوی رفاه بیشتر و تلاش برای مهیاسازی شرایط راحت‌تر و آسوده‌تر در سفر، از ارکان و اجزای جدانشدنی مقوله گردشگری و حتی زندگی در عصر مدرن قلمداد می‌شود، در حالی که این رفاه‌طلبی به راحتی و بدون اعمال هیچ نوع فشار بیرونی، در جریان مشارکت در اربعین، نه تنها نادیده گرفته شده، بلکه گاه آگاهانه و با میل عمیق درونی با آن مقابله شده، خلاف آن رفتار می‌شود؛ بدین معنا که کنشگر، هر چند امکان انتخاب استفاده از روش‌های بسیار آسان و طی مسیر به شکلی آسوده‌تر را دارد، اما به عمد، سخت‌ترین راه را برای رسیدن به مقصد انتخاب کرده، در این راه، برآورده نشدن نیازهای شخصی، او را نمی‌رنجانند: «بیشتر نیازهای فردی در اربعین پاسخ داده نمی‌شود، ولی افراد راضی هستند. آنجا کسی به نیاز فردی‌اش توجه ندارد و اگر توجه داشته باشد، خیلی به او سخت می‌گذرد» (ع.ح. ۲۹ ساله). «دوستانی دارم که جانباز و پاقطعی هستند و به هر شکلی که شده، خودشان را پیاده به حرم می‌رسانند» (ج.ف. ۶۰ ساله).

۶. طرد تبلیغ سیاسی: هرگونه فعالیت با جهت‌گیری سیاسی به قصد ترغیب یا اقناع مخاطب، یا جانب‌داری از شخصیت‌های سیاسی ملت‌های گوناگون،

اگرچه از کارها و رفتارهای رایج در حرکت های توده ای است، اما در پیاده روی اربعین، به شدت و حتی گاهی با اعمال سطحی از خشونت، طرد می شود؛ از جمله این موردها می توان به پاره کردن عکس افراد منتسب به جریان خاص، در این مراسم، اشاره داشت: «ما آنجا نه پرچم عراق را داریم و نه پرچم ایران را و این درخواست خود عراقی ها بوده» (ش. ۴۵ ساله).

آنچه را که در بالا، در خصوص همکاری معنوی در پیاده روی اربعین، شرح داده شد، می توان به صورت اجمالی و در قالب ترسیم شاخه ای، به صورت ذیل گزارش کرد:



نتیجه گیری

در جمع بندی نهایی می توان گفت که در همکاری خادمان و زائران در پیاده روی اربعین، با نوعی معنویت در محیط کار روبه رو هستیم که در سطح فردی، هر نوع همکاری را شورانگیز، رضایت بخش و از سرمایه عاطفی سرشار می سازد. در سطح گروهی، افراد را به هم پیوند می زند و این پیوندها تا آنجا

تقویت می‌شود و تحکیم می‌یابد که به انسجام و هم‌بستگی روزافزون و شکل‌گیری نظام اجتماعی جدید با هنجارها و نظم اخلاقی تازه منجر می‌شود، و سرمایه معنوی بر محور خدمت‌رسانی به دیگر اعضای اجتماع را شکل داده، خود به منبعی برای بازتولید نظم اخلاقی تبدیل می‌شود؛ به بیان دیگر، کنش جمعی و همکاری پیوسته در اجتماع بزرگ پیاده‌روی اربعین، سازنده اجتماع جامعه‌ای کوچک با قاعده‌ها و نظم اخلاقی متفاوت، و نیز سازنده ارتباط‌های مبتنی بر پیوند معنوی، حمایت‌گری مبتنی بر سرمایه معنوی، و فعالیت با سطح درگیری بالا مبتنی بر شورمندی معنوی است؛ به عبارتی، در پیاده‌روی اربعین، بر مبنای همکاری معنوی، با جامعه‌ای کوچک و محیط اجتماعی سرشار از معنویت، در عین حال فرارونده از رخدادهای فانتزی و طراحی‌های انتزاعی و غیرمعمول، و رمنده از گونه‌های رهبانیت‌وار و منقطع از زندگی روزمره اجتماعی روبه‌رو هستیم که در ادبیات دینی غالباً از مفهوم امت برای اشاره به چنین اجتماعی استفاده می‌شود. در واقع، در پیاده‌روی اربعین، با معنویت به شدت درگیر با زندگی، عجین شده با زیست اجتماعی در دنیای واقعی و البته با سبک و شیوه پسنندیده آفریدگار یکتای جهان روبه‌رو هستیم. در این نوع معنویت، دیگر به یادگیری تکنیک‌های آرامش‌بخش یا خزیدن به کنج تنهایی و کناره‌گیری از مردم برای رشد معنوی، نیاز نیست، بلکه معنویت را می‌توان در ساحت‌های گوناگون زندگی روزمره، در گفت‌وگو و همراهی با دیگرانی که با ما چند لحظه‌ای همگام هستند، در هنگام تهیه و توزیع غذا، در هنگام در اختیار قرار دادن محل و مکانی برای استراحت به دیگران و حتی در هنگام آب خوردن در وقت تشنگی، غذا خوردن در موقع گرسنگی و استراحت کردن به وقت خستگی، به سادگی پیدا کرد؛ از این رو، می‌توان الگوی ذیل را برای همکاری معنوی شکل‌گرفته در پیاده‌روی اربعین ارائه داد:



از نتیجه‌های دیگر این مطالعه آن است که در آیین پیاده‌روی اربعین، با وجود تفاوت فرهنگی - اجتماعی غیرقابل چشم‌پوشی و گسترده در میان مشارکت‌کنندگان، همکاری به صورت یکپارچه و در قالب کنشی جمعی با نظم درونی، با هویت جمعی و با هم‌بستگی اجتماعی بالا رخ می‌دهد؛ البته نوعی از هم‌بستگی که خارج از دوتایی مشهور دورکیمی، یعنی مکانیک - ارگانیک است، به نظر می‌رسد؛ زیرا نه مکانیکی و مبتنی بر سادگی و مشابهت اجتماعی، و نه ارگانیکی و مبتنی بر پیچیدگی و نیاز کارکردی واحدهای گوناگون ارگانسیم به یکدیگر است.

نتیجه‌های این پژوهش همچنین نشان داد که آنچه که همکاری میان کنشگران را سبب شده، به آن‌ها هویت جمعی می‌بخشد، ریشه‌دار و عمیق است، به سادگی در دسترس نیست و تنها با انتزاع از واقعیت در فرایند گذر از فرم و رسیدن به معنا ممکن می‌شود، و باید در معنای کنش نزد مشارکت‌کننده تعمق و تأمل داشت و معانی مشترکی را که هویت جمعی را بنیان می‌دهد، شناخت، تا اثرپذیری و ارتباط قوی هویت جمعی با لایه‌های بنیادین فرهنگ دینی آشکار شود. پرداختن درست به این موضوع در گرو فهم بُعدهایی از دین‌داری شیعیان، به‌ویژه جایگاه حب‌الحسین (علیه‌السلام) و شیوه‌های ابراز آن در فرهنگ شیعی، و اسوه‌ها و سرمایه نمادین عاشورایی و مهدوی است که «زندگی امروزه جامعه شیعیان» را با «واقعه‌هایی رخ داده در چند قرن پیش» ارتباط می‌دهد. در واقع، در

پیاده روی اربعین با مجموعه‌ای از باورها و انگاره‌های قدسی ساز روبه‌رو هستیم که از ظرفیت قدسی‌کننده برای عرصه‌های گوناگون کنشگری برخوردار است و همین قدسی شدن، پایه شکل‌گیری نظم اخلاقی است. مفهوم «باور» در اینجا به معنایی متفاوت از «آگاهی» اشاره دارد؛ زیرا همان‌طور که دورکیم (۱۹۱۷) در نظریه خود بیان می‌دارد، مناسک جمعی در ارتباط با ایمان و احساس دینی، و نه صرف آگاهی پیرامونی از آموزه‌هایی از یک دین، شکل می‌گیرد.

کتابنامه

۱. بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، «مدنیت و معنویت در اربعین»، مجموعه مقاله‌های مدنیت، عقلا نیت، معنویت در بستر اربعین، تهران: سوره مهر.
۲. جواهری‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۵)، «الگوی معنویت‌افزایی در سازمان: ارائه نظریه‌ای داده‌بنیاد»، مدیریت اسلامی، ش ۴.
۳. خنیفر، حسین و همکاران (۱۳۸۹)، «درآمدی بر روش‌های اندازه‌گیری و مطالعه معنویت در سازمان»، راهبرد، سال سوم، ش ۵.
۴. درودیان، محمدجواد (۱۳۹۷)، «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی»، منظر، دوره دهم، ش ۴۵.
۵. عابدی جعفری، حسن و رستگار، عباسعلی (۱۳۸۶)، «ظهور معنویت در سازمان‌ها (مفاهیم، تعاریف، پیش‌فرض‌ها و مدل مفهومی)»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال دوم، ش ۵.
۶. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۴)، مدیریت عمومی، تهران: نشر روان.
۷. کربلایی پازوکی، علی (۱۳۹۶)، «اربعین و معنویت»، مجموعه چکیده مقاله‌های دومین همایش اربعین.
۸. گیویان، عبدالله و امین، محمد (۱۳۹۶)، «محبت و هویت در آئینه نمایش جهانی اربعین: مطالعه ماهیت، کارکردها و ساختار پیاده‌روی اربعین از منظر ارتباطات آیینی»، دین و ارتباطات، سال بیست و چهارم، ش ۲.
۹. مرادی، محمد (۱۳۹۴)، «الگوی مفهومی سرمایه معنوی در پرتوی تعالیم قرآنی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال پنجم، ش ۱.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
11. Gibbons, P. (2002). Spirituality at work: A pre-theoretical overview. MCS, thesis–Birnbeck college, university of London.
12. , R. (1989) Meaning and Moral Order; Explorations in Cultural Analysis. University of California Press.

